

# تاریخ پنهان آیه چهل — شماره پانزده

وای دوم — بخش دوم

Jeff Pippenger

2026-06-11

خواهر وایت چندین بار بیان می‌دارد که آن بخش از کتاب اشعیا که عیسی در کنشتِ ناصره خواند، نه تنها کار او را اعلام می‌کرد، بلکه نمونه‌وار بر کار ما نیز دلالت داشت. تحقق کامل آن کار مسخ‌شده به وسیله کسانی به انجام می‌رسد که پرچم یکصد و چهل و چهار هزار را تشکیل می‌دهند.

روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ او مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را التیام بخشم، و آزادی را برای اسیران، و گشایش زندان را برای بندگان اعلام کنم؛ تا سال مقبول خداوند و روز انتقام خدای ما را اعلام نمایم؛ تا تمامی ماتمیان را تسلی بخشم؛ تا برای ماتمیان صهیون مقرر دارم که به ایشان به‌جای خاکستر، زیبایی؛ به‌جای ماتم، روغن شادی؛ و به‌جای روح اندوه، رخت ستایش عطا شود؛ تا ایشان درختان عدالت خوانده شوند، غرس خداوند، تا او جلال یابد. و ایشان ویرانه‌های کهن را بنا خواهند کرد، خرابی‌های پیشین را برپا خواهند ساخت، و شهرهای ویران را که خرابی نسل‌های بسیار بوده است، مرمت خواهند نمود. و بیگانگان خواهند ایستاد و گله‌های شما را خواهند چرانید، و پسران اجنبی شخم‌زنان و باغبانان تاکستان‌های شما خواهند بود. اما شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد؛ مردم شما را خادمان خدای ما خواهند خواند؛ ثروت امت‌ها را خواهید خورد، و در جلال ایشان فخر خواهید نمود. به‌عوض ننگ شما، نصیب مضاعف خواهد بود؛ و به‌عوض رسوایی، در نصیب خویش شادمان خواهند شد؛ از این‌رو در سرزمین خود دوچندان را به میراث خواهند برد؛ و شادی جاودانه از آن ایشان خواهد بود. اشعیا 1:61-7.

در مقاله پیشین، ما آغاز کردیم به شناسایی «ساعت، ماه، روز و سال»ی که نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را تشکیل می‌داد. دیگر زمانی نیست؛ از این‌رو، این چهار تعبیر زمانی باید در ایام آخر به‌گونه‌ای نمادین به‌کار گرفته شوند، آنگاه که ویژگی‌های نبوی وای نخست و دوم در وای سوم تکرار می‌گردند. «سال» همان «سال مقبول خداوند» است، و نیز «روز انتقام خدای ما» است. «آن روز»، «روز بلا» است؛ روز مکافات و انتقام، آن‌گونه که موسی بیان کرده است.

انتقام و مکافات از آن من است؛ پای ایشان در وقت معین خواهد لغزید؛ زیرا روز هلاکت ایشان نزدیک است، و آنچه بر ایشان خواهد آمد شتاب می‌کند. تثیبه ۳۵:۳۲.

در اشعیا، این «سال مقبول» و «روز انتقام» است، و روز انتقام همان «روز مصیبت» موسی است که در آن، پای لائودیکیه می‌لغزد، آنگاه که مکافات و انتقام را دریافت می‌کنند. ساعت زلزله عظیم، روز مصیبت، سال مقبول، و ماه اول، همگی با قانون یکشنبه منطبق‌اند. واژه «ماه» در یوئیل واژه‌ای افزوده است، اما این واژه افزوده درست است. مترجمان واژه «ماه» را در توافق با این حقیقت افزودند که باران آخر در ماه اول آمد.

پس ای فرزندان صهیون، شادمان باشید و در یهوه خدای خویش وجد نمایید؛ زیرا او باران نخستین را به اندازه به شما عطا کرده است، و برای شما باران را نازل خواهد ساخت، یعنی باران نخستین و باران آخر را در ماه نخست. یوئیل 2:23.

واژه «ماه» تفسیری است، نه بخشی از متن اصلی الهام شده. متن عبری به سادگی می گوید که باران ها «در نخستین» یا «چنان که در آغاز بود» خواهند آمد—یعنی خدا باران ها را در فصل درست خود، همانند زمان های پیشین، باز خواهد گردانید. خواهر وایت بارها جنبش میلری 1840 تا 1844 را با پنتیکاست همسو می سازد تا باران آخر را در ایام آخر توصیف کند. باران آخر «چنان که در آغاز بود» می آید، که همان پنتیکاست بود، و خواهر وایت بارها آن را با قانون یکشنبه همسو می سازد.

«فرشته ای که در اعلام پیام فرشته سوم متحد می شود، باید تمامی زمین را با جلال خود منور سازد. در اینجا کاری با گستره ای جهانی و قدرتی بی سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور در سال های ۱۸۴۰-۱۸۴۴ تجلی باشکوهی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در بعضی کشورها عظیم ترین علاقه دینی که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم در هر سرزمینی دیده شده بود پدید آمد؛ اما اینها باید به وسیله آن جنبش نیرومند تحت آخرین هشدار فرشته سوم فزون تر گردند.»

«این کار همانند کار روز پنتیکاست خواهد بود. چنان که «باران اول» در فروباریدن روح القدس در آغاز انجیل عطا شد تا سبب رویدن بذر گران بها گردد، همچنین «باران آخر» در پایان آن عطا خواهد شد تا محصول برای درو رسیدگی یابد. «پس خواهیم دانست، اگر در شناختن خداوند پافشاری کنیم: خروج او همچون صبحگاه آماده است؛ و او برای ما مانند باران خواهد آمد، مانند باران آخر و باران اول بر زمین.» هوشع ۳:۶. «پس ای فرزندان صهیون، شادمان باشید و در بیهوه خدای خود وجد نمایید؛ زیرا که او باران اول را به اندازه به شما داده است، و باران را برای شما فرو خواهد فرستاد، یعنی باران اول و باران آخر را.» یوئیل ۲:۲۳. «و در ایام آخر، خدا می گوید، از روح خود بر تمامی بشر خواهم ریخت.» «و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» اعمال ۲:۱۷، ۲۱.»

«کار عظیم انجیل نباید با جلوه ای کمتر از قدرت خدا نسبت به آنچه آغازش را مشخص ساخت، به پایان رسد. نبوت هایی که در ریزش باران اول در آغاز انجیل تحقق یافتند، باید بار دیگر در باران آخر در پایان آن تحقق یابند. اینک «اوقات تازگی» است که رسول پطرس بدان چشم دوخته بود، آنجا که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، آنگاه که اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال ۳:۱۹، ۲۰.» جدال عظیم، 611.

پنتیکاست «گشایش» یا «آغاز» کار انجیل بود، و باران اخیر در «خاتمه»، «پایان» آن است. اولی نمایانگر آخری است. ماه نخست، ریزش روح القدس را در زمان قانون یکشنبه مشخص می سازد.

«هیچ یک از ما هرگز مَهر خدا را دریافت نخواهد کرد مادامی که بر شخصیت های ما یک لکه یا داغ نیز باقی باشد. بر عهده ما گذاشته شده است که نواقص شخصیت های خود را اصلاح کنیم و هیکل جان را از هر آلودگی پاک سازیم. آنگاه باران آخر بر ما خواهد بارید، همان گونه که باران اول بر شاگردان در روز پنتیکاست بارید. ...»

«ای برادران، در این کار عظیم آمادگی چه می کنید؟ آنان که با جهان متحد می شوند، قالب دنیوی را می پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می سازند. آنان که به خویشتن بی اعتمادند، که خویشتن را در حضور خدا فروتن می سازند و جان های خود را با اطاعت از حقیقت طاهر می گردانند، اینان قالب آسمانی را دریافت می کنند و خود را برای مهر خدا بر پیشانی هایشان آماده می سازند. هنگامی که فرمان صادر شود و آن نقش نهاده گردد، سیرت ایشان تا ابد پاک و بی لکه باقی خواهد ماند.» Testimonies, جلد 5, 214, 216.

«ماه» نخست، قانون یکشنبه است؛ «ساعت» زلزله عظیم، قانون یکشنبه است؛ «روز» مصیبت و مکافات و انتقام، قانون یکشنبه است؛ و «سال» مقبول، قانون یکشنبه است. یکصد و پنجاه سال

نبوتِ وای نخست، در قانون یکشنبه به پایان می‌رسد؛ جایی که سیصد و نود و یک سال و پانزده روز آغاز می‌شود.

به فرشته ششم که شیپور را داشت گفت: «آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته شده‌اند، آزاد کن.» و آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال مهیا شده بودند تا ثلث انسان‌ها را بکشند، آزاد شدند. مکاشفه ۱۴۹، ۱۵

«چهار فرشته» ای که «در نهر عظیم فرات بسته شده بودند»، در ساعت قانون یکشنبه «آزاد می‌شوند». آنان به‌طور نبوی «مهیا شده‌اند» برای ساعت، روز، ماه و سال وای دوم، تا ثلث مردمان را بکشند. ایالات متحده، به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، در قانون یکشنبه کشته می‌شود، و ایالات متحده یک‌سوم آن اتحاد سه‌گانه‌ای است که در قانون یکشنبه برقرار می‌گردد. وای دوم در وای سوم تکرار می‌شود، همان‌گونه که فرشته دوم در فرشته سوم تکرار می‌گردد.

آن چهار باد در ۱۱ سپتامبر رها شدند و آغاز مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را رقم زدند، و بلافاصله پس از آن مهار شدند. هنگامی که آنان که در اشعیا شصت و یک نمایانده شده‌اند و ماتم می‌کنند، تسلی می‌یابند، این تسلی را با ریزش کامل تسلی‌دهنده در هنگام قانون یکشنبه دریافت می‌کنند، که همان «ساعت» زلزله عظیم نیز هست. آنان که در سال مقبول ماتم می‌کنند، دقیقاً همان کسانی هستند که در حزقیال نه ماتم می‌کنند و مهر خدا را دریافت می‌نمایند. عیسی خدمت خود را با استناد به اشعیا شصت و یک آغاز کرد، و خواهر وایت اعلام او را با کار ما همسو می‌سازد.

«مسیح آنگاه که در کنشتِ ناصره از نبوت اشعیا قرائت کرد، مأموریت خود را به جهان اعلام نمود: "روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده است تا انجیل را به فقیران بشارت دهم؛ مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را شفا بخشم، و رهایی را به اسیران موعظه کنم، و بینایی را به نابینایان بازگردانم، و کوییدگان را به آزادی روانه سازم، و سال مقبول خداوند را اعلام کنم." چه کاری در پیش روی او بود!—اعلام سال مقبول خداوند. این دوره، عصر پس از عصر را دربر می‌گیرد و از قرنی به قرنی امتداد می‌یابد، تا زمانی که مهلتِ آزمون باقی باشد. خدا در انتظار است تا درخواست و در کوفتن را بشنود؛ نظاره می‌کند تا ببیند بشریت به او، که یگانه یاور ماست، نزدیک می‌شود. او مشتاق است گناهان ایشان را ببامرزد و آنان را همچون آن خود بپذیرد. او هر جان توبه‌کاری را که نزد او آید خواهد پذیرفت؛ زیرا خدا یگانه‌پسر خود را برای انجام این کار مسح کرد.»

«اما چرا مسیح آن عبارتِ ثبت‌شده در اشعیا را به پایان نرسانید؟ چرا این بند را حذف کرد: "و روز انتقام خدای ما"؟ بخش اخیر این جمله نیز به همان اندازه که بخش نخست حقیقت بود، حقیقت داشت؛ و مسیح با سکوت خود، با فروگذاشتن بخشی از سخنان خود که به نبی برگزیده‌اش داده بود، حقیقت را انکار نکرد. اما این بند آخر همان چیزی بود که شنوندگان او از درنگ کردن بر آن لذت می‌بردند و مایل بودند آن را به عمل درآورند، و بر همه کسانی که هم‌اعتقاد دینی ایشان نبودند داوری صادر کنند. آنان به‌جای آنکه به مردم سخنان حقیقت و عدالت و آمرزش بدهند، به ایشان تعلیم داده بودند که خدا از تمامی جهان بت‌پرست نفرت دارد. خصلتِ پدران خدا به نادرستی بازنمایی شده بود و در زیر سنت‌های بشری مدفون گشته بود. Signs of the»

Times, January 14, 1897

«مأموریت قوم خدا در این عصر در کلمات الهام که کار مسیح را توصیف می‌کند ترسیم شده است: «روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ او مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را التیام بخشم، و آزادی را برای اسیران و گشایش زندان را برای مقیدان اعلام کنم؛ تا سال مقبول خداوند و روز انتقام خدای ما را ندا دهم؛ تا جمیع ماتمیان را تسلی بخشم، و برای ماتمیان صهیون مقرر سازم که به ایشان به‌جای خاکستر، جمال، و به‌جای

ماتم، روغن شادی، و به جای روح سنگینی، ردای حمد عطا شود؛ تا ایشان بلوط‌های عدالت نامیده شوند، غرس خداوند، تا او جلال یابد.»

«و ایشان خرابه‌های کهن را بنا خواهند کرد، و ویرانی‌های نخستین را برپا خواهند ساخت، و شهرهای ویران، یعنی خرابی‌های نسل‌های بسیار را مرمت خواهند نمود.» Lake Union Herald، 11 نوامبر 1908.

پیش از آن که در تکرار وای دوم در وای سوم پیش‌تر برویم، باید به خود یادآور شویم که این پیام باید با به‌کار بستن «خطی بر خطی» فهمیده شود. این امر نشان می‌دهد که هر «ساعت»، «روز»، «ماه» و «سال» در کلام الهام‌شده که با زمینه قانون یکشنبه سازگار باشد، باید در مورد آمادگی اسلام برای ضربه زدن به قانون یکشنبه نیز به کار گرفته شود.

برای نمونه: واژه «ساعت» تنها در یک کتاب از عهد عتیق یافت می‌شود، و آن کتاب، کتاب دانیال است. در دانیال، «ساعت» پنج بار ذکر شده است.

و هر که بر زمین نیفتد و سجده نکند، در همان ساعت به میان کوره‌ای از آتش سوزان افکنده خواهد شد. ... اکنون اگر آماده‌اید که هرگاه آواز کرنا، نی، بریط، چنگ، قانون، و سنتور، و هرگونه نواهای موسیقی را بشنوید، بر زمین افتاده، تمثالی را که من ساخته‌ام سجده کنید، نیکوست؛ اما اگر سجده نکنید، در همان ساعت به میان کوره‌ای از آتش سوزان افکنده خواهید شد؛ و آن خدا کیست که شما را از دست من برهاند؟ دانیال ۳:۶، ۱۵.

خواهر وایت بارها دانیال سه را، و از این رو «در همان ساعت» را، بر قانون یکشنبه تطبیق می‌دهد. در باب چهارم دانیال، دانیال به مدت «یک ساعت» در حیرت می‌ماند، زیرا می‌کوشد داوری در شرف وقوع بر نبوکدنصر را توضیح دهد.

آنگاه دانیال، که نامش بَلطَشَصْر بود، تا ساعتی مبهوت ماند و افکارش او را مضطرب ساخت. پادشاه سخن گفت و گفت: «ای بَلطَشَصْر، خواب و تعبیر آن تو را مضطرب نسازد.» بَلطَشَصْر در پاسخ گفت: «ای سرورم، کاش این خواب برای آنان باشد که از تو نفرت دارند، و تعبیرش برای دشمنانت.» دانیال 4:19.

دانیال به مدت «یک ساعت» مبهوت می‌ماند، آنگاه که می‌کوشد دریابد چگونه نبوکدنصر را از داوری‌ای که بر او خواهد آمد آگاه سازد. دانیال نماینده پیام‌آور فرشته اول است که اعلام می‌کند «ساعت» داوری فرا رسیده است. پیشگویی او به نبوکدنصر داده می‌شود، و یک سال بعد، داوری بر بابل بر نبوکدنصر واقع می‌گردد.

در همان ساعت این امر بر نبوکدنصر واقع شد؛ و او از میان آدمیان رانده شد، و چون گاو ان علف می‌خورد، و بدنش از شبنم آسمان تر می‌شد، تا آنکه موهایش چون پرهای عقابان بلند گردید و ناخن‌هایش مانند چنگال‌های پرندگان شد. دانیال ۴:۳۳.

دانیال در حال پیشگویی قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع است، و هنگامی که آن فرا رسد، آن «ساعت» داوری بر بابل است. هر دو «ساعت» قانون یکشنبه را مشخص می‌کنند، که همان ساعت زلزله عظیم است. نبوکدنصر آلفا و بلشصر امگای داستان بابل است، و بلشصر درست در همان شبی کشته می‌شود که نوشته دست بر دیوار پدیدار شد.

در همان ساعت، انگشتان دست انسانی پدیدار شد و مقابل شمعدان، بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشت؛ و پادشاه بخشی از دستی را که می‌نوشت دید. دانیال ۵:۵.

«همان ساعت» که نوشته بر دیوار پدیدار شد، زمانی را مشخص می‌سازد که قانون مکتوب یکشنبه، در هنگام قانون یکشنبه، «دیوار» جدایی میان کلیسا و دولت را منهدم می‌کند؛ و آنگاه بابل به پایان رسید، چنان‌که ایالات متحده نیز به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پایان می‌رسد. ایالات متحده، به‌عنوان ششمین پادشاهی، همان قدرتی است که در اشعیا بیست‌وسه، هنگامی که فاحشه‌ی صور به فراموشی سپرده می‌شود، به مدت هفتاد سال نمادین سلطنت می‌کند. پادشاهی یا پادشاهی که اشعیا به آن اشاره می‌کند، ایام هفتاد سال است، و پادشاهی‌ای که در نبوت کتاب مقدس هفتاد سال سلطنت کرد، بابل بود. سقوط بابل بیلشصر نمونه پیشگویانه سقوط ایالات متحده است، در هنگام قانون یکشنبه، جایی که نوشته بر دیوار با سخن گفتن همچون اژدها در مکاشفه سیزده همسو می‌گردد.

در مکاشفه هجده، داوری بر بابل از زمان قانون یکشنبه در آیه چهار آغاز می‌شود، آنگاه که صدای دوم اعلام می‌کند که داوری او هم در یک ساعت و هم در یک روز فرا می‌رسد.

و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: «ای قوم من، از او بیرون آید، مبدا در گناهانش شریک شوید و از بلاهایش نصیبی یابید. زیرا گناهان او تا به آسمان رسیده است، و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است. او را همان‌گونه جزا دهید که او شما را جزا داد، و دو چندان، برحسب اعمالش، به او دو چندان بدهید؛ در جامی که او پر کرده است، برای او دو چندان پر کنید. به همان اندازه که خود را جلال داده و در عیش و عشرت زیسته است، به همان اندازه عذاب و ماتم به او دهید؛ زیرا در دل خود می‌گوید: به عنوان ملکه نشسته‌ام، و بیوه نیستم، و هرگز ماتم نخواهم دید. از این‌رو بلاهایش در یک روز بر او خواهد آمد: مرگ، و ماتم، و قحطی؛ و او به تمامی در آتش سوزانده خواهد شد، زیرا نیرومند است خداوند خدا که او را داوری می‌کند. و پادشاهان زمین که با او زنا کرده و در عیش و عشرت با او زیسته‌اند، چون دود سوختنش را ببینند، بر او خواهند گریست و برایش نوحه خواهند کرد، و از بیم عذابش از دور ایستاده، خواهند گفت: وای، وای، بر تو، ای شهر عظیم، بابل، ای شهر نیرومند! زیرا که در یک ساعت داوری تو فرارسیده است.» مکاشفه ۱۸:۴-۱۰.

آشکار است که داوری تدریجی بر بابل از قانون یکشنبه آیه چهار آغاز می‌شود، هنگامی که گله دیگر خدا از بابل فراخوانده می‌شود. یوحنا زمان داوری او را هم «روز» و هم «ساعت» معرفی می‌کند، و بدین‌سان تأیید می‌نماید که نمادهای زمان باید به‌گونه‌ای نمادین فهمیده شوند.

عید فیصَح می‌بایست در ماه اول نگاه داشته شود، و فیصَح با صلیب منطبق است، و صلیب نیز به نوبه خود با قانون یکشنبه منطبق می‌باشد.

و خداوند در سرزمین مصر به موسی و هارون خطاب کرده، گفت: «این ماه برای شما آغاز ماه‌ها خواهد بود؛ این برای شما نخستین ماه سال خواهد بود. به تمامی جماعت اسرائیل سخن گفته، بگویید: در روز دهم این ماه، هر کس برای خود برحسب خاندان پدران خویش، بره‌ای بگیرد؛ برای هر خانه یک بره. و اگر اهل آن خانه برای یک بره اندک باشند، او و همسایه‌اش که به خانه‌اش نزدیک‌تر است، آن را برحسب شمار اشخاص بگیرند؛ هر کس برحسب آنچه می‌خورد، شمار شما برای بره معین شود. بره شما باید بی‌عیب باشد، نر یک‌ساله؛ آن را از گوسفندان یا از بزها بگیرید. و آن را تا روز چهاردهم همان ماه نگاه دارید؛ و تمامی جماعت انجمن اسرائیل آن را در شامگاه ذبح کنند.» خروج ۱:۱۲-۶.

عید فیصَح آغاز فصل پنتیکااست بود، و از این‌رو معرف پنتیکااست است، که آن نیز به نوبه خود با قانون یکشنبه انطباق دارد. خیمه در روز نخست ماه نخست برپا شد، و بدین‌سان معرف برپا داشته شدن کلیسای ظافر به مثابه علمی در قانون یکشنبه است. «ساعت»، «روز»، «ماه» و «سال» وای دوم، قانون یکشنبه را شناسایی می‌کند، و سطر بر سطر، هر یک از آن تعابیر زمانی با قانون یکشنبه

انطباق دارد، آنگاه که متن زمینه با آن موافق باشد. در قانون یکشنبه، دوره دوم آزار پاپی آغاز می‌شود، که دوره نخست همان ۱،۲۶۰ سال بود که به شهیدان آن دوره انجامید؛ شهیدانی که در مهر پنجم با این پرسش «تا به کی» به حضور خداوند فریاد برمی‌آورند، تا آن هنگام که قدرت پاپی داوری شود. در دومین خون‌ریزی پاپی، عیسی قوم خود را آگاه ساخته است که هنگام آزار، درباره آنچه خواهند گفت، نیازی به نگرانی ندارند.

اما چون شما را ببرند و تسلیم کنند، از پیش میندیشید که چه بگویید، و نه آن را از پیش در خاطر پرورانی؛ بلکه آنچه در آن ساعت به شما عطا شود، همان را بگویید؛ زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح‌القدس است. مرقس ۱۳:۱۱.

در اولین وای، مردم به مدت یکصد و پنجاه سال عذاب داده شدند. آن سال‌ها در ۲۷ ژوئیه ۱۳۹۹ آغاز شد و در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ پایان یافت، هنگامی که آن چهار فرشته آن چهار یاد را، که برای ساعت و روز و ماه و سال مهیا شده بودند تا ثلثی از انسان‌ها را بکشند، رها کردند. دوره عذاب نمایانگر دوره برپا شدن صورت وحش در ایالات متحده است. آن دوره همان پانزده روزی است که در لاویان بیست‌وسه، از عید شیپورها تا پنتیکاست، بازنمایی شده است. دوره تشکیل صورت وحش از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبه است، اما دوره اعلان پیام فریاد نیمه‌شب، یک فراکتال از تشکیل صورت وحش از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبه است.

آغاز و پایان مهر شدن، همچنین آلفا و اُمگای شکل‌گیری تصویر وحش است. یک طبقه در حال پدید آوردن شخصیتی برای مهر خداست؛ و دیگری در حال شکل دادن تصویری از وحش است. آن دوره در ایالات متحده با همان دوره در جهان منطبق است که از قانون یکشنبه آغاز می‌شود. «ماه» نمادی از عذابی است که برپایی تصویر را تحمیل می‌کند؛ از این رو، ماه مربوط به قانون یکشنبه، چنان‌که در آیه پانزدهم مکاشفه ۹ نمایش داده شده است، همچنین نمایانگر عذاب اسلامی در خلال برپایی تصویر وحش در جهان است.

کاربردهای نبوی دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهند چگونه نبوت وای دوم، و ساعت و روز و ماه و سال آن، قانون یکشنبه و رها شدن اسلام برای ضربه زدن به ایالات متحده را نمایندگی می‌کنند؛ اما ما باید به نکات دیگر پردازیم.

در دوره اخیر، طی حدود شش ماه گذشته، بر این نکته تأکید کرده‌ام که اسلام سه وای، از نظر نبوتی، با سه فرشته مرتبط است. از پیشگویی ایام آخر یعقوب درباره اینکه یهودا آن «مو» است که به «الغ» بسته شده است، تا رها کردن الغ به دست مسیح پیش از ورود ظفرمندان او، و دیگر شواهد، اسلام وای اول و دوم نمایانگر پیام نبوتی‌ای است که پیام‌های فرشته اول و دوم را قوت بخشید، و اسلام وای سوم نمایانگر پیام نبوتی فرشته سوم است.

اخیراً به فصلی از کتابی که A. T. Jones نگاشته بود ارجاع داده شد، و آن همان واقعیت را، اما از رهیافتی متفاوت، مشخص می‌سازد. جونز از دستور زبان و ساختار مکاشفه استفاده می‌کند تا نشان دهد چگونه جدا ساختن سه شیپور وای آخر از پیام‌های سه فرشته ناممکن است. او تأکید می‌کند که فرشته اول را نمی‌توان از فرشته دوم جدا کرد، و فرشته سوم را نیز نمی‌توان از دو فرشته پیش از آن منفک ساخت. تمرکز جونز بر سه فرشته است، و در حالی که استدلال خود را درباره رابطه جدایی‌ناپذیر این سه فرشته اقامه می‌کند، به همان منطق اثبات می‌نماید که همچنین نمی‌توان شیپورهای مکاشفه باب نه را از سه فرشته مکاشفه باب چهارده جدا ساخت. این مقاله را با فصل جونز به پایان خواهیم برد.

## فصل یازدهم. پیام فرشته سوم

«پاسخ آن پرسش مهم امروز، یعنی “چه باید بکنیم؟”، را می‌توان با اطمینان بر اساس هفت کرنا و جایگاه ملت‌های بزرگ امروز بیان کرد؛ زیرا پاسخ، دقیقاً بر همین اساس، به‌وسیله کلام خدا داده شده است.»

«دیدیم که سه وای، به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با سه تای آخر از هفت کرنا پیوند دارند. درست در میانه هفت کرنا—پس از پایان کرنا چهارم و پیش از آغاز کرنا پنجم—نوشته شده است: «و دیدم و شنیدم فرشته‌ای را که در وسط آسمان پرواز می‌کرد و به آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به‌سبب صداهای دیگر کرنا از آن سه فرشته که هنوز باید بنوازند.» مکاشفه ۸:۱۳»

این‌که سه وای به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با سه تای آخر از هفت شیپور، هر یک با یکی از آن‌ها، مرتبط‌اند، به‌واسطه این واقعیت که چون نواختن فرشته پنجم به پایان می‌رسد، نوشته شده است: «یک وای گذشت؛ و اینک دو وای دیگر پس از این می‌آید.» مکاشفه 9:12. و چون شیپور ششم به پایان می‌رسد، نوشته شده است: «وای دوم گذشت؛ و اینک وای سوم به‌زودی می‌آید. و فرشته هفتم نواخت.» مکاشفه 11:15.

«اکنون، به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر مرتبط با این فرشته که آمدن سه وای را اعلام می‌کند، که آن‌ها نیز به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با سه شیپور آخر از هفت شیپور مرتبط‌اند، «فرشته سوم» مکاشفه ۱۴ است.»

«تا این نیز همچون امری یقینی و فراتر از هر پرسش دیده شود، بگذارید از پیام فرشته سوم مکاشفه ۱۴ آغاز کنیم و پیوندهای مستقیم آن را تا مبدأشان به عقب دنبال کنیم.»  
«نخستین واژگان در گزارش مربوط به «فرشته سوم» این است: «و فرشته سوم از پی ایشان آمد.» مکاشفه ۱۴:۹. این نشان می‌دهد که برخی پیش از او رفته بودند که فرشته سوم «از پی ایشان آمد.»

«پس آیه پیشین را در نظر بگیرید: «و فرشته‌ای دیگر در پی آمد.» این نشان می‌دهد که فرشته‌ای نیز پیش از این آمده است، که چون این یکی در پی او می‌آید، آن را «دیگر» می‌سازد.»  
«اکنون به آیه ششم بازگردید: “و فرشته‌ای دیگر دیدم.” این نیز تصدیق می‌کند که فرشته‌ای پیش از این رفته است، و همین سبب می‌شود که این فرشته، چون در میان آسمان پرواز می‌کند، “دیگر” باشد.»

«با پی‌گیری بیشتر مطالب در کتاب مکاشفه به عقب، هیچ فرشته‌ای نمی‌یابیم، جز فرشته شیپور هفتم، تا آن‌گاه که به آیه نخست باب دهم می‌رسیم؛ و در آنجا می‌خوانیم: «و فرشته‌ای زورآور دیگر دیدم.» این تعبیر، همان‌گونه که پیش‌تر نیز بود، گواهی می‌دهد که پیش از این فرشته، فرشته‌ای وجود دارد که چون این یکی ظاهر می‌شود، سبب می‌گردد از او به عنوان «دیگری» سخن گفته شود.»

«اگر باز هم به عقب‌تر برویم، هیچ فرشته‌ای نمی‌یابیم، جز فرشتگان شیپور ششم و پنجم، تا آنکه به آخرین آیه باب هشت برسیم؛ و در آنجا به اصل نخستین می‌رسیم، زیرا می‌خوانیم: «و نگریم و فرشته‌ای را شنیدم»—نه «فرشته‌ای دیگر»، بلکه در معنای نخستین، «فرشته‌ای.»»

«از این‌رو، از مکاشفه ۸:۱۳ آغاز می‌شود رشته‌ای پیوسته از فرشتگان که با واژه «دیگری» به هم پیوسته‌اند، و این پیوستگی یکسره تا فرشته سوم مکاشفه ۱۴، همراه با پیام او، ادامه می‌یابد. بدین‌سان:

«نگریستم، و فرشته‌ای را شنیدم.» مکاشفه ۸:۱۳

«و فرشته‌ای زورآور دیگر دیدم.» مکاشفه ۱۰:۱.

«و فرشته‌ای دیگر دیدم.» مکاشفه ۱۴:۶.

«و فرشته‌ای دیگر از پی آمد.» آیه ۸.

«و فرشته سوم در پی آنان آمد.» آیه ۹.

«شاید نمودار ساده زیر به روشن ساختن ارتباط میان فرشته‌ای که سه وای سه شیپور آخر از هفت شیپور را اعلام می‌کند، و پیام فرشته سوم مکاشفه ۱۴ یاری رساند:»

«شیپور اول، مکاشفه ۸:۷»

«شیپور دوم» مکاشفه ۸:۸

«شیپور سوم، مکاشفه ۸:۱۰»

«شیپور چهارم» مکاشفه ۸:۱۲: «فرشته‌ای» — وای، وای، وای. مکاشفه ۸:۱۳.

«شیپور پنجم، مکاشفه ۹:۱۱-۱۱ / وای اول»

«شیپور ششم، مکاشفه ۹:۱۳ تا ۱۱:۱۳، وای دوم: «فرشته‌ای زورآور دیگر.» مکاشفه ۱۰:۱»

«مکاشفه شیپور هفتم ۱۱:۱۳-۱۹ سومین وای «فرشته‌ای دیگر. مکاشفه ۱۴:۶»

«دیگری در پی آمد.» مکاشفه ۱۴:۶

«و فرشته سوم از پی ایشان آمد.» مکاشفه ۱۴:۹.

«دلالته همه این امور اکنون می‌تواند از راه بررسی کامل‌تر این که «پیام فرشته سوم» در حقیقت در ذات خود چیست، روشن‌تر دیده شود: در ظاهر عبارت، تعبیر «فرشته سوم» آشکارا به سومین یک سلسله از سه فرشته اشاره دارد. چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد، این سلسله سه فرشته، که هر یک حامل پیامی هستند، در باب چهاردهم مکاشفه، آیات ۶-۱۲، یافت می‌شود. پیام‌های این سه فرشته در فرشته سوم درهم می‌آمیزند و به اوج می‌رسند؛ و این پیام تا هنگامی که محصول زمین برسد و برای آمدن خداوند جهت درو کردن آن آماده گردد، از طنین افکندن باز نمی‌ایستد.»

«پیام فرشته سوم، خود آن‌گونه که در سخنان فرشته سوم اعلام شده است، چنین است: "و فرشته سوم از پی ایشان آمد و به آواز بلند گفت: اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی خود یا بر دست خود بپذیرد، او نیز از شراب غضب خدا خواهد نوشید که بی‌امیختگی در جام خشم او ریخته شده است؛ و در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و گوگرد عذاب خواهد یافت؛ و دود عذاب ایشان تا ابدالآباد بالا می‌رود؛ و آنان که وحش و صورت او را می‌پرستند، و هر که نشان نام او را می‌پذیرد، شبانه‌روز آرامی ندارند. این است صبر مقدسان: اینان اند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند."»

«این، پیام فرشته سوم است آن‌گونه که فی‌نفسه و جدا از آن دو دیگر قرار دارد. اما در واقع، نمی‌توان آن را جدا از آن دو تلقی کرد؛ و نمی‌توان آن را چنان از آن‌ها منفک ساخت که گویی به‌تنهایی پیامی یگانه و مستقل برای جهان است؛ زیرا نخستین کلمات درباره آن این است: "فرشته سوم در پی ایشان آمد." بدین‌سان، همان از نخستین کلمات خود این پیام، ما نه تنها به یکی، بلکه به آن دو که پیش از آن آمده‌اند ارجاع داده می‌شویم. و واژه یونانی‌ای که به "در پی آمد" ترجمه شده است، نه دلالته بر پیروی جداگانه دارد، و نه صرفاً بر پیروی، بلکه به معنای "همراه کسی در پی آمدن" است، چنان‌که سربازان از فرمانده خود پیروی می‌کنند، یا خادمان از سرور خویش؛

بنابراین، "در امری از کسی پیروی کردن؛ خویشتن را به هدایت کسی سپردن." و هنگامی که این واژه درباره امور به کار می‌رود، دلالت می‌کند بر پی‌آمدن به‌عنوان نتیجه؛ پی‌آمدن "به‌مثابه پیامد چیزی که پیش‌تر واقع شده است." پس، از جهت اشخاص، فرشته سوم همراه با آن دو که پیش از او آمده‌اند در پی می‌آید؛ و پیام او، به‌عنوان یک امر، در مقام نتیجه یا پیامد آنچه پیش‌تر آمده است، در پی می‌آید.»

«اما درباره دومی نیز نوشته شده است: "و فرشته‌ای دیگر از پی‌آمد." همان‌گونه که فرشته سوم در پی فرشته دوم می‌آید، فرشته دوم نیز در پی فرشته اول می‌آید. و درباره اولی نوشته شده است: "و فرشته‌ای دیگر را دیدم که پرواز می‌کرد"، و غیره. این نخستین این سلسله سه‌گانه است. فرشته‌ای دیگر در پی او می‌آید؛ و فرشته سوم نیز در پی آن دو می‌آید. در ترتیب ظهور ایشان توالی‌ای هست؛ اما چون هر سه به‌توالی برخاسته باشند، آنگاه با هم همچون یک تن پیش می‌روند. اولی پیام خود را به صدا درمی‌آورد؛ دومی در پی او می‌آید و با اولی همراه می‌شود؛ سومی نیز در پی آن دو می‌آید و با ایشان همراه می‌گردد؛ به‌گونه‌ای که، چون هر سه به هم پیوسته و در قدرت متحد خود با هم پیش روند، پیامی نیرومند، سه‌گانه و بلندآواز را تشکیل می‌دهند. برای کامل ساختن پیام فرشته سوم، همه آن‌ها لازم‌اند؛ و پیام فرشته سوم را نمی‌توان به‌راستی اعلام کرد مگر آنکه همه آن‌ها اعلام شوند.»

«پس پیام سه‌گانه در بخش‌های مربوط به خود چیست؟—اینک بخش نخست: "و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کرد، و انجیل جاودانی را داشت تا آن را به ساکنان زمین، و به هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، و به آواز بلند می‌گفت: از خدا بترسید و او را تمجید کنید؛ زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است؛ و او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید، پرستش نمایید.»

«این است پیام فرشته دوم: "و فرشته‌ای دیگر در پی آمد و گفت: بابل، آن شهر عظیم، سقوط کرد، سقوط کرد؛ زیرا همه امت‌ها را از شراب خشم زنای خود نوشانیده است.»

«و این است سوم: "و فرشته سوم از پی ایشان آمد و به آواز بلند گفت: اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی خود یا بر دست خود بپذیرد، او نیز از شراب غضب خدا خواهد نوشید که بی‌امیختگی در جام خشم او ریخته شده است؛ و در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و گوگرد عذاب خواهد یافت. و دود عذاب ایشان تا ابدالآباد بالا می‌رود؛ و آنان که وحش و صورت او را می‌پرستند، و هر که نشان نام او را می‌پذیرد، شب و روز آرامی ندارند. این است صبر مقدسان: اینان‌اند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند.»

«با نگاهی به عبارت‌بندی هر یک از این پیام‌ها، آن اندیشه‌ای در واژه یونانی «followed» آشکار می‌گردد که به معنای «در پی آمدن به‌عنوان نتیجه» است. نخستین، انجیل جاودانی را دربردارد تا به هر مخلوقی بشارت داده شود، و همه را فرا می‌خواند که از خدا بترسند و او را تمجید کنند و او را بپرستند؛ زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. رد شدن این پیام، وضعیتی از امور پدید می‌آورد که، به‌عنوان نتیجه چنین ردی، در سخنان فرشته دوم که در پی می‌آید توصیف شده است. و به سبب رد شدن پیام نخست؛ و به سبب پیامدهای آن رد، چنان‌که در پیام دوم اعلام شده است؛ وضعیتی از امور پدید می‌آید که، به‌عنوان نتیجه‌ای دیگر، ایجاب می‌کند که فرشته سوم در پی آن‌ها بیاید و با آواز بلند، هشدار هولناک خود را بر ضد شرارت‌های سهمگینی اعلام کند که به‌عنوان پیامد دوگانه رد شدن پیام نخست پدید آمده‌اند.»

«و این‌که صدا و کار فرشته سوم با صدا و کار فرشته اول درهم می‌آمیزد، از سخنان پایانی او آشکار است: "اینان‌اند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند؛" زیرا این همواره مقصود موعظه انجیل جاودانی است. این، جوهر ترسیدن از خدا و جلال دادن به او، و پرستش "او که

آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید" است. نگاه داشتن احکام خدا و ایمان عیسی تنها چیزی است که هر نفسی را قادر خواهد ساخت در ساعتِ داوری او، که فرشته اول اعلام می‌کند "فرا رسیده است"، استوار بایستد.»

«بلافاصله پس از کلمات پایانی فرشته سوم، این عبارت آمده است: "شنیدم آوازی از آسمان که به من می‌گفت: بنویس، خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند" - از این زمان به بعد. مکاشفه 14:13. و بلافاصله پس از این، این کلمات آمده است: "و نگریستم، و اینک ابری سفید، و بر آن ابر کسی نشسته بود مانند پسر انسان، که بر سر خود تاجی زرین داشت و در دست خود داسی تیز. و فرشته‌ای دیگر از هیکل بیرون آمد و با آواز بلند به آن که بر ابر نشسته بود، ندا درداد: داس خود را به کار انداز و درو کن، زیرا وقت درویدن تو رسیده است، زیرا محصول زمین رسیده است. و آن که بر ابر نشسته بود، داس خود را بر زمین افکند؛ و زمین درویده شد." مکاشفه 14:16-16. و «درو، پایان جهان است.» متی 13:39.»

«باز هم: فرشته سوم، به طور خاص، همه مردم را بر ضد پرستش وحش و تصویر او، هر چه که این‌ها باشند، هشدار می‌دهد؛ و از مکاشفه ۱۹:۱۱-۲۱ درمی‌یابیم که وحش و تصویر او هنگامی که خداوند در ابرهای آسمان می‌آید، «زنده» هستند، و «هر دو» با درخشش ظهور او هلاک می‌شوند.

«این حقایق نشان می‌دهند که پیام فرشته سوم، پیامی عظیم، سه‌گانه و با آواز بلند است که درست پیش از آمدن دوباره خداوند، به هر امت و قبیله و زبان و قوم می‌رسد؛ و محصول زمین را برای درو می‌رساند و قومی را برای خداوند مهیا و آماده می‌سازد. همان‌گونه که پیام یحیای تعمیددهنده راه را برای نخستین آمدن خداوند آماده ساخت. پس این، آخرین، نهایی‌ترین، پیام خدا به جهان است.»

«و اکنون، با داشتن چنین درکی از این که پیام فرشته سوم در ذات خود چیست، نسبت آن پیام با ملت‌های بزرگ امروز را می‌توان با بررسی زمان پیام فرشته سوم بهتر تشخیص داد.» A. T. Jones, The Great Nations of Today, 114